

نگاهی به مسئله تحریف کتاب مقدس از دیدگاه دانشمندان اسلامی*

افضل‌الدین رحیم‌اف** و محمدباقر قیومی***

چکیده

قریب به اتفاق دانشمندان اسلامی در اصل مسئله تحریف کتاب مقدس، اعتقاد مشترکی دارند؛ چون تناقض‌گویی متون کتاب مقدس، ناسازگاری اعتقادات موجود در آن در باره خدا و پیامبران براساس کلام اسلامی، گواهی تاریخ بر وقوع تحریف در عهدین و سایر موارد، دال بر تحریف است؛ ولی در دلالت آیات قرآن بر تحریف لفظی یا معنوی کتاب مقدس، اختلافاتی موجود است. برخی آیات قرآن، تورات و انجیل را نور و هدایت نامیده، بر ضرورت اقامه احکام آنها تأکید کرده است؛ از برخی از آیات قرآن کریم تحریف و عهدین استفاده می‌شود ولی دانشمندان اسلامی در این باره نیز تأملاتی دارند.

واژه‌های کلیدی: کتاب مقدس، تورات، انجیل، تحریف لفظی، تحریف معنوی.

تاریخ تأیید: ۹۰/۶/۱۵

* تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۲۰

** دانش پژوه دکتری کلام اسلامی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، قم.

*** استادیار جامعه‌المصطفی‌العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی، قم.

مقدمه

برای بررسی دقیق مسئله تحریف کتاب مقدس (Bible)، باید به چند نکته توجه داشت. بدون در نظر گرفتن همه این مسائل نمی‌توان در باره دیدگاه دانشمندان اسلامی در بحث تحریف کتاب مقدس، مطلب جامعی بیان کرد؛ به همین دلیل، گاهی شاهد نتیجه‌گیری‌های غیر دقیقی هستیم که در برخی اوقات با نظریه‌های دانشمندان مورد بحث موافق نیست.

در قرآن که نخستین و معتبرترین منبع دانشمندان اسلامی در این باره است، آیاتی وجود دارد که در ظاهر از تحریف کتاب مقدس خبر می‌دهند. در مقابل نیز آیاتی دیده می‌شود که ظاهراً به کتاب مقدس اعتباری می‌بخشد که بر عدم تحریف کتاب مقدس دلالت داشته باشد. این یک سوی مسئله است؛ از سوی دیگر، دانشمندان اسلامی، اعتبار کتاب مقدس را از لحاظ تاریخ نگارش، نویسندگان و سازگاری و عدم سازگاری مطالب آن بررسی کرده‌اند. همچنین، آنها در سیر تاریخ وجود کتاب مقدس، تهدیدهایی که امکان تحریف را افزایش می‌دهد، نقد و بررسی کرده‌اند.

البته در این نوشتار کوتاه، مسئله را آن‌چنان که باید، نمی‌توان بررسی کرد؛ ولی به طور خلاصه می‌توان به مسائل مهم آن پرداخت.

تحریف در لغت

اصل ماده تحریف از «حرف» است که به معنای «طرف» است. «تحریف‌الشیء» به یک طرف بردن آن است (قریشی، ۱۴۱۵: ۲، ۱۲۱). *راعب اصفهانی* می‌گوید: «تحریف شیء یعنی آن را به یک سو و جهت میل دهند؛ مثل تحریف قلم، و تحریف کلام یعنی آن را بر یکی از دو احتمال که ممکن است داشته باشد، حمل کنیم» (اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲، ۱۱۹). در *لسان العرب* آمده است: «تحریف قرآن یا تحریف کلمه یعنی ما لفظ را از معنایش (مفهوم واقعی‌اش) تغییر بدهیم» (ابن منظور، [بی‌تا]: ۹، ۴۳).

تحریف در اصطلاح

تحریف در اصطلاح به چند قسم تقسیم می‌شود:

تحریف در الفاظ: کلمه‌ای با کلمه دیگر عوض شود یا کلمه‌ای به عبارتی افزوده و یا از آن کاسته شود.

تحریف در معانی: بدون اینکه در الفاظ، تغییر و تبدیلی واقع شود، معنا و محتوای آن تغییر داده شود.

تحریف موضعی: ترتیب کلمات به هم زده شود، به گونه‌ای که معنای خود را از دست بدهد. در اصطلاح دینی، منظور از تحریفات، تحریف در کتاب‌های مقدس ادیان گوناگون است.

دغدغه‌های دانشمندان اسلامی در مورد متن عهدین

بسیاری از دانشمندان در تعدادی از قرینه‌های اصلی نبودن متن کتاب مقدس و یا تحریف آن، اتفاق نظر دارند. از جمله مسائلی که باعث تردید آنان در باره اصلی بودن متن عهدین شده است، عبارت‌اند از: مسئله تاریخ نوشته شدن تورات و انجیل، اعتبار افرادی که آن را نوشته‌اند، زبان کتاب مقدس، بارها از میان رفتن عهدین (دزدیده شدن تورات منسوب به موسی^ع به جز دو لوحی که در آن فقط ده فرمان وجود داشت، حمله بخت‌النصر به اورشلیم، میزان اعتبار نوشته‌های عزرا و نابودی دست‌نوشته‌ها در جریان آنتیوخوس و عدم تطابق قصه‌های پیامبران^ع و مسائل دیگر، مثل عصمت انبیا و سایر ... با آیات قرآن کریم) و اختلافات میان متون گوناگون کتاب مقدس و یا تضادهایی در درون خود تورات و انجیل و تعداد زیادی نسخه‌های انجیل و اختلاف آشکاری که در میان خود داشتند، وجود شرح حال و وفات حضرت موسی^ع و عیسی^ع در آن کتب، وجود نام برخی سلاطین و شهرهایی که پس از وفات موسی^ع و عیسی^ع زندگی کرده‌اند و مطالب نه‌چندان جالبی که درباره خدا و پیامبران در این کتاب‌ها موجود است و ناسازگاری برخی مطالب با عقل و فطرت؛ بنابراین اعتقاد دانشمندان اسلامی به عدم تحریف کتاب مقدس، امکان‌ناپذیر دیده می‌شود.

خواجه نصیرالدین طوسی: از سوی دانشمندانی است که به تحریف کتاب مقدس معتقد است. ایشان در مقابل این شبهه که «تورات نمی‌تواند تحریف شده باشد؛ چون قوم یهود در سراسر جهان پخش شده و کتاب خود را حفظ کرده‌اند» می‌گوید: «انتشار و وسعت یافتن قوم یهود در سراسر جهان، سخن صحیحی نیست؛ زیرا آنها در شام تجمع کرده بودند و بخت‌النصر اکثریت آنان را به قتل رسانید و هیچ‌یک از آنها قبل از اینکه بخت‌النصر به آنها دست یابد و نیز بعد از او به عجم (کشورهای دیگر) نتوانست برود. فقط اسیرانی که گرفته شده بودند نیز به اصفهان منتقل یافتند و در آنجا شهر معروف یهودی نباشد».

و اگر بنا بر مدعای خودشان پس از بخت/النصر در نقل تورات، تواتر باقی مانده بود؛ چرا این کتاب سه نسخه متفاوت و گوناگون داشت؟ یکی از نسخ در دست فرقه‌ای از یهود که قرايين و ربانين نام دارند، می‌باشد؛ نسخه دوم در دست سامره است؛ نسخه سوم که به اسم «تورات السبعين» مشهور و معروف است، در دست نصاراست. اختلافات تاریخی و شرعی این نسخه‌های تورات، بسیار معروف و مشهور است. پس نقل تورات که اساس دینشان را تعریف می‌کند، به گونه تواتر به دست آنان نرسیده است.

مسئله عدم تواتر نقل عهد جدید نیز که تاریخش نزدیک‌تر است، بسیار بارز و آشکار است؛ چون کتاب مقدس یهود در مبدأ تواتر داشت؛ ولی در وسط، انقطاع گردید؛ ولی کتاب مقدس نصارا (عهد جدید) از ابتدا تواتر نداشت؛ زیرا آنها که به عیسی ﷺ ایمان آوردند، عددشان بسیار کم بود؛ به همین دلیل چهار نسخه انجیل دارند. این نسخ از حواریون نقل شده است، نه از عیسی؛ به گونه‌ای که در میان این اناجیل نیز اختلافات زیادی وجود دارد (شیخ طوسی، ۱۴۰۶: ۳۶۶).

ابن حزم/اندلسی^۱ وی از بزرگ‌ترین متفکران فرقه ظاهریه و از پیشگامان مسلمان در مطالعه ادیان است. او یکی از دانشمندانی است که بر تحریف کتاب مقدس تأکید می‌کند. وی در مطالعات تورات و کتب مقدس دیگر یهود، بر تناقض‌گویی متنی آنها دقت کرده، آن را تحریف‌شده و غیرقابل اعتماد نشان داده است (ابن حزم، ۱۹۹۹: ۱، ۱۳۸). ایشان با رویکرد کلام اسلامی، متون مقدس یهود را مورد انتقاد شدید قرار داده است (همان، ۱۹۹۹: ۱، ۱۵۹-۲۳۵). او بارها خطاهای تجربی، تاریخی و عقلی کتاب مقدس را به نقد کشیده است (همان، ۱۹۹۹: ۱، ۱۵۳-۲۴۶).

ایشان مثل برخی دیگر از دانشمندان درباره عهد جدید، این مطلب را مدعی شده است که مسیحیان خودشان اناجیل اربعه را وحی منزل خداوند بر عیسی مسیح ﷺ نمی‌دانند (همان، ۱۹۹۹: ۱، ۲۵۱). ابن حزم حتی انتساب اناجیل اربعه به لوقا، متی، مرقس و یوحنا را نیز زیر سؤال می‌برد (همان، ۱۹۹۹: ۱، ۲۵۴). او با دلایل محکم، به بررسی تناقض‌گویی‌های متون مسیحی پرداخته، علاوه بر آن با رویکرد کلام اسلامی آن را نقد کرده است. وی همانند تورات به خطاهای تجربی، تاریخی و عقلی متون مسیحی نیز دقت کرده است (همان، ۱۹۹۹: ۱، ۲۵۷-۳۱۵).

علامه بلاغی: بنا بر دیدگاه علامه بلاغی که در کتاب‌های الهدی الی دین المصطفی و الرحله

۱. در بیان دیدگاه ابن حزم/اندلسی در این مقاله از مقاله «ابن حزم اندلسی و مطالعه ادیان»، وحید صفری، چاپ شده در مجله «پژوهش و حوزه» نیز استفاده شده است.

المدرسیه مشاهده می‌کنیم، کتاب تورات در طول تاریخ و براساس اتفاقات و ناگواری‌هایی که بر قوم یهود آمده، در دست نیست. متصل ساختن سند هریک از کتاب‌ها به پیامبرانی که مرکز وحی و الهام بوده‌اند، به طریق تواتری که مفید یقین و قطع باشد، در همه طبقات غیرمقدور و غیرممکن است (بلاغی، ۱۴۰۵: ۱، ۱۰۸). این کتب به منزله روایات آحاد نیز مورد اعتماد نیست؛ چون دستخوش اختلاف و پریشانی و اضطراب است (همان، ۱۴۰۵: ۱، ۱۱۷).

ایشان از تورات و انجیل نمونه‌هایی را می‌آورد که با تکیه بر آن می‌خواهد اثبات کند که عهدین اعتبار چندانی ندارد (همان، ۱۴۰۵: ۱، ۸۹-۹۷). برخی از این کتاب‌ها به صراحت به تحریف پاره دیگری گواهی می‌دهند. چنان که یکی از استدلال‌ات ایشان در این مورد، متن اصلی کتاب **ارمیا**، باب ۲۳، بند ۲۶ است که گفته می‌شود: «بعد از این، از وحی پروردگار یادی نکنید. چون کلمه هر انسانی وحی پروردگار او می‌باشد؛ زیرا شما سخن خدای حی، پروردگار جنود، خدای ما را تحریف کردید». در همان منبع، باب هشتم، بند هشتم آمده است: چگونه می‌گویید ما حکیمانیم و شریعت پروردگار با ماست؟ به راستی که قلم نویسندگان دروغگو، آن شریعت را تغییر داده است» و در باب ۲۹، بند ۱۶ آمده است: «وای از تحریف شما». (همان، ۱۴۰۵: ۱، ۱۰۹).

بنابر دیدگاه علامه بلاغی، در ترجمه‌ها و چاپ‌های کتب عهدین نیز تحریفات آشکار و تصرف و تغییر پیداست. این تغییر از ناحیه دانشمندان یهودی و مسیحی است (همان، ۱۴۰۵: ۱، ۱۱۱).

در سخنی می‌توان بدین نتیجه رسید؛ علامه به تحریف عهدین اعتقاد دارد، چه از لحاظ تحریف معنوی و چه از لحاظ تحریف لفظی.

رحمت‌الله هندی: نظر رحمت‌الله هندی این است که کتاب مقدس، کاملاً تحریف شده و استناد بدان صحیح نمی‌باشد؛ چون سندش قطع شده است، آن را نمی‌توان وحی الهی نامید. تواتر تورات، پیش از زمان حضرت یوشع علیه السلام قطع شده است. حوادث *بخت‌النصر*، *اسکندر* و ... بعد از آن حاصل شده است (هندی، ۱۴۱۸: ۱، ۱۱۱). این تورات نه سخن موسی علیه السلام و نه سخن عزرا است.

اسما و اعداد تورات با هم تناقض دارند. تورات عبارت‌های خود را از خدا و موسی علیه السلام نقل می‌کند. این دلیلی است که تورات را کسی دیگری نوشته است. این سخن مستقیم موسی علیه السلام نیست و در دوران موسی علیه السلام نوشته نشده و در کنعان و اورشلیم نوشته شده است. بنی‌اسرائیل در این دوران در صحراها بودند و این بدین معناست که تورات پیش از سلطنت *سلیمان* علیه السلام و پس از

دوران حزقیل علیه السلام نوشته شده است؛ یعنی، پانصد سال پس از موسی علیه السلام نوشته شده است (همان، ۱۴۱۸: ۱، ۱۱۱).

باید دقت کرد که زبان و شیوه سخن گفتن تورات با دیگر کتب مقدس، یکی است؛ با اینکه فاصله میان آنها بسیار زیاد است. علمای نصرانی می‌گویند که در آن زمان رسم کتابت وجود نداشت. کتاب مقدس، اختلافات زیادی در نسب و تاریخ، روایات و قصص، اخبار و اختلافات جغرافیایی، غلط‌های املائی دارد (همان، ۱۴۱۸: ۱، ۱۸۶-۲۰۶-۳۵۳ و همان، ۱، ۳۱۴-۳۶۷-۳۶۹).

به طور کلی «تورات و انجیل اصلی، پیش از بعثت نبی صلی الله علیه و آله گم شده بود. آنچه اکنون در دست داریم، به منزله کتاب تاریخ، مجموعه‌ای از روایات صحیح و کاذب است؛ پس نمی‌توانیم بگوییم کتاب مقدس تا زمان نبی صلی الله علیه و آله موجود بوده و بعداً تحریف شده است» (همان، ۱۴۱۸: ۲، ۳۸۷).
اناجیل تا آخر قرن دوم، سند متصل ندارد. اصل عبرانی انجیل متی نیز در دست نیست؛ پس می‌توان گفت ترجمه‌ها تحریف شده است.

ایشان به تحریف لفظی با زیادت و نقصان قائل است و برای این مطلب در کتاب مذکور، نمونه‌هایی آورده است (همان، ۱۴۱۸: ۲، ۵۴۳ و ۵۷۶).

محمد صادق *فخر الاسلام*: وی به تحریف کتاب مقدس، اعتقاد دارد. ایشان مانند دانشمندان دیگر معتقد است در کتاب مقدس، عباراتی وجود دارد که به خدا و انبیا ناسزا و ناشایستگی‌هایی را نسبت می‌دهد (فخر الاسلام، ۱۳۵۲: ۲، ۷۲). وی بنا بر اقوال تعدادی از پیشینیان مسیحیت، در اسناد اناجیل به عیسی صلی الله علیه و آله و حواریون شبهاتی را مطرح ساخته و برای اثبات وحی منزل نبودن اناجیل اربعه، تلاش کرده است (همان، ۱۳۵۲: ۲، ۶۱-۶۷). علاوه بر این *فخر الاسلام*، به تضاد و اختلافات داخلی متون کتاب مقدس، اشاره کرده است (همان، ۱۳۵۲: ۲، ۱۲۵-۲۰۵). دلیل الهی نبودن عهدین از خود کتاب مقدس را مطرح ساخته (همان، ۱۳۵۲: ۲، ۲۶۶) و اغلاط بی‌شماری را دلیل آورده که نشانگر تحریف آن است (همان، ۱۳۵۲: ۲، ۲۶۷-۲۶۸). تحریف لفظی به جمیع اقسام آن، یعنی: تبدیل لفظی به لفظ دیگر و زیاده و نقصان در کتاب مقدس، رخ داده است (همان، ۱۳۵۲: ۲، ۳).

ابن حجر عسقلانی: وی نیز به تحریف کتاب مقدس، اعتقاد دارد. ایشان نظر دانشمندان اسلامی را در این مورد به چند دسته تقسیم می‌کند:

۱. کسانی که معتقدند تمامی کتاب مقدس تحریف شده است؛
۲. افرادی که به وقوع تحریف در بخش عمده این کتاب اعتقاد دارند؛

۳. افرادی که به وقوع تحریف در بخش مختصری از کتاب مقدس و عدم تغییر بیشتر بخش‌های آن معتقدند؛
۴. افرادی که به وقوع تبدیل و تغییر در معانی کتاب مقدس و نه در الفاظ آن اعتقاد دارند (عسقلانی، بی تا: ۱۷، ۳۰۸-۳۰۷).

نوع تحریف کتاب مقدس

تحریف کتاب مقدس میان دانشمندان اسلامی امر مسلمی است؛ ولی آیا منظور آنان از تحریف، تحریف لفظی یا معنوی و یا هر دو است؟ آیا برخی دانشمندان، فقط تحریف معنوی را قبول دارند؟ در این باره می‌توان ادعا کرد، همه الفاظ و بیانات کتاب مقدس، قابل اعتبار است؟ دانشمندانی که آرایشان در بالا ذکر شد، همگی بر تحریف لفظی و معنوی کتاب مقدس، تأکید دارند؛ ولی گاهی چنین مطرح می‌شود، برخی از دانشمندان اسلامی به تحریف لفظی کتاب مقدس اعتقاد نداشته و فقط به تحریف معنوی آن اشاره کرده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که مسئله مقداری تحریف شده، یا درست برداشت نشده باشد. در این قسمت از نوشتار به طور اختصار به دو دیدگاه از این‌گونه نظرات اشاره می‌کنیم:

ابن تیمیه: چنین مشهور شده که در بین دانشمندان اسلامی، *ابن تیمیه* به تحریف معنوی کتاب مقدس قائل است نه به تحریف لفظی. البته باید دقت کرد که *ابن تیمیه* وقتی از تحریف لفظی سخن می‌گوید، از نسخه اصلی تورات بحث نمی‌کند؛ بلکه به نظر ایشان، تورات کنونی، غیر از تورات واقعی است. کتاب مقدسی که اکنون بین مردم موجود است، ترجمه و یا مفهوم آن است، نه کتاب مقدس نازل شده از طرف خدا؛ بنابراین، به نظر *ابن تیمیه*، کتاب مقدس، تواتر لفظی و خطی ندارد. این را از برخی نسخه‌های آن که با برخی دیگر در تناقض‌اند، می‌توان فهمید (*ابن تیمیه*، ۱۴۱۶: ۲، ۸۰)؛ به این دلیل که نسخه اصلی آن در دسترس نیست. همه ترجمه‌ها نیز با یکدیگر متفاوت و دارای اضطراب زیادی هستند. حتی «احکام ده گانه» نیز در ترجمه‌ها چنین است. نسخه سامری با نسخه یهود و نصارا تفاوت دارد؛ بیانگر این مطلب است که در بسیاری از نسخه‌های این کتاب، تبدیل و تغییر رخ داده است ... زبور نیز چنین است؛ اما اضطراب اناجیل از تورات زیادتر است (همان، ۱۴۱۶، ۲: ۴۵۰).

چنان که می‌گوید: «تحریف معانی الکتب بالتفسیر والتأویل و تبدیل احکامها فجمع المسلمین والیهود والنصارى یشهدون بتحریفها و تبدیلها، كما یشهدون هم والمسلمون علی الیهود بتحریف کثیر من معانی التورات و تبدیل أحکامها» (همان، ۱۴۱۶، ۲: ۳۸۱).

او معتقد است کتاب مقدس، بنا بر ادله شرعی و عقلی تحریف و تواتر تاریخی آن قطع شده است. با خرابی بیت المقدس (تورات) و اعتراف مسیحیان به اینکه خود عیسی ﷺ اناجیل را نوشته است؛ پس از او، متی و یوحنا نوشته‌اند و مرقس و لوکا، او را ندیده‌اند و اینها صحابه بوده‌اند، چقدر می‌توان به سخنان آنان اعتماد کرد؟

می‌گوید: «وقد ذکر هؤلاء أنهم ذكروا بعض ما قاله المسيح، بعض أخباره، و أنهم لم يستوعبوا ذکر أقواله و أفعاله» (همان، ۱۴۱۶، ۲: ۳۹۷).

مسلمانان به این مطلب تأکید نداشتند که تورات در آن زمان، تورات حقیقی است. چنان که عمر به کعب/احبار گفت: «ای کعب، اگر می‌دانی که این کتاب، همان توراتی است که به موسی ﷺ نازل شده است، آن را بخوان».

به نظر ابن تیمیه در کتاب مقدس، برخی از آیات و احکام الهی نیز وجود دارد: «الصحيح أن هذه التورات الّذی بیدی أهل الكتاب فیها ما هو حکم الله. و إن کان قد بدل و غیر بعض الفاظها».

به نظر وی، آیات ۴۷-۴۳ سوره مائده بر این مطلب دلالت دارد (همان، ۱۴۱۶، ۲: ۴۲۱).

/ابن تیمیه قرآن را مهیمن، یعنی ناظر و حاکم بر کتاب مقدس، می‌داند. فقط قرآن روشن می‌کند که چه صحیح و چه غلط است. پس کتاب مقدس به منزله کتب حدیث است؛ چنان که می‌گوید: «بمنزلة کتب الحدیث ... فإنه إذا وقع فی سنن أبی داود و الترمذی أو غیرهما أحادیث قليلة ضعيفة، کان فی الأحادیث الصحیحة الثابتة عن النبی ﷺ ما یبیین ضعف ذالک» (همان، ۱۴۱۶، ۲: ۴۴۲).

او مدعی است که نصارا و یهود در تحریف احکام و معانی و تغییر لفظی کتاب مقدسشان، اتفاق نظر دارند؛ چنان که لوقا و یوحنا اناجیل خود را پس از مسیح نوشته‌اند و نمی‌گویند، اناجیل کلام خداست. ادعا نیز نمی‌کنند، مسیح آن را از طرف خدا به مردم رسانده است. در آن کتاب افعال زندگی، معجزات، وفات و زنده شدن مسیح ﷺ ذکر شده است. پس چگونه می‌تواند کلام مسیح باشد؟ علاوه بر این، مسیح ﷺ به زبان عبری حرف می‌زد.

املائی عزیر نیز به کتاب مقدس اعتبار نمی‌دهد؛ املا کننده باید نبی معصوم باشد. همچنین باید دقت کرد که از کتب مقدس، الفاظ صریح، حذف شده‌اند. به عنوان مثال: نام مبارک محمد ﷺ (همان، ۱۴۱۶: ۳، ۵۰).

وی تأکید می‌کند، کتب مقدس غیر الهامی‌اند و اعتبار آنها از کتاب تاریخی و حدیثی، بیشتر نیست. «بعضی از الفاظ نسخه‌هایی که در نزد یهود، سامری و نصارا موجود می‌باشند، با یکدیگر

فرق می‌کنند. این خود دلیل می‌باشد که الفاظ این کتب از نص واحدی گرفته نشده است و همه الفاظ آنها متواتر نمی‌باشد» (همان، ۱۴۱۶: ۲، ۴۲۶). علاوه بر این، ابن تیمیه وجود اعتقادات باطل، مثل تثلیث را در کتب مقدس، نفی می‌کند.

نظر ابن تیمیه در اعتبار کتاب مقدس این است که اگر با شرع در تعارض نباشد و عقل آن را رد نکند؛ می‌توان به کتاب مقدس تمسک جست.

منظور ابن تیمیه این است که کتاب مقدس از اول تا آخر، تحریف لفظی نشده است؛ گر چه در برخی موارد آن را می‌بینیم. کسی از مسلمانان نیز چنین ادعایی نداشتند که همه کتاب مقدس، تحریف شده است. اما تحریف معنوی، تأویل و تبدیل احکام را همه یهود، نصارا و مسلمانان شاهدند (همان، ۱۴۱۶: ۲، ۳۸۱).

محمد هادی معرفت: استاد محمد هادی معرفت بر تحریف معنوی کتاب مقدس تأکید دارد؛ ولی منظور وی این است که اصل کتاب مقدس، در دست نمی‌باشد و در گذر زمان بنا بر علل گوناگون، بشر آن را از دست داده است؛ به همین خاطر، تحریف لفظی در کتاب مقدس معنی ندارد. چون آنچه در دست داریم یا ترجمه و یا مفهوم تحریف شده کتاب مقدس است، نه خود اصل کتاب، تا در آن تحریف لفظی رخ داده باشد. چنان که می‌گوید: «یک بررسی کوتاه از تاریخ عهدین موجب شک و تردید در اصالت و باقی ماندن متن آن می‌گردد؛ چرا که تنها ترجمه‌هایی ناقص از متن اصلی، باقی مانده. به دیگر سخن، اینها کتاب‌هایی است که در زمانهای بعد، نگارش یافته و در لابلای آن، برخی تعلیمات انبیا گنجانیده شده است ... البته نسخه‌های اصلی این کتاب‌ها نیز مفقود شده و ترجمه‌های آن به غیر زبان اصلی باقی مانده است؛ بنابراین تحریف در این ترجمه‌ها روی داده، نه در اصل آن کتابها» (معرفت، ۱۳۷۶: ۱۱۳). با نگاه به تاریخ عهدین، معلوم می‌شود که به طور مسلم اصل عهدین (تورات و انجیل) باقی نمانده و آنچه در دست است فرع آن می‌باشد. یعنی فقط ترجمه‌ها و پاره‌ای از تعلیمات دینی که در لابه‌لای نقل رویدادهای تاریخی گنجانده شده است؛ در نتیجه، موضوعی برای تحریف نمانده است» (معرفت، ۱۳۷۶: ۱۲۲).

با مطالعه کتاب «نقد شبهات پیرامون قرآن کریم» (همان، ۱۳۸۸: ۳۲-۱۳۵)، می‌توان مدعی شد که، آیت‌الله معرفت براساس بررسی متون عهدین (چه از لحاظ تناقض‌گویی، اختلافات موضوعی، تاریخی، مشکلات علمی و تجربی و ارزیابی اعتقادی آن از دیدگاه کلام اسلامی) و تاریخ نگارش و حوادث ناخوشایندی که در گذر زمان بر سر آن آمده است، به تحریف لفظی و معنوی در ترجمه‌های کتاب مقدس، معتقد است.

تحریف کتاب مقدس در آیات قرآن

گذشته بر مسئله تحریف کتاب مقدس از دیدگاه دانشمندان اسلامی، با پرسشی روبرو می‌شویم: آیا نظر قرآن کریم در باره تحریف و یا عدم تحریف کتاب مقدس چیست؟ آیا در برخی از آیات قرآن که خبر از تحریف کتاب مقدس می‌دهند، تحریف لفظی نیز منظور است، یا فقط تحریف معنوی؟ و آیاتی که تورات وانجیل را تأیید می‌کنند و حتی آن را نور هدایت می‌نامند، چگونه باید معنی شود؟ آیاتی که دستور بر جاری ساختن و عمل به احکام کتاب مقدس می‌دهد، از عدم تحریف آن خبر می‌دهند؟

در این باره دانشمندان اسلامی به چند گروه تقسیم شده‌اند:

۱. دیدگاه دانشمندانی مانند محمدهادی معرفت که معتقدند؛ هیچ آیه‌ای در قرآن بر تحریف لفظی کتاب مقدس دلالت ندارد. حتی بزرگان اسلام نیز چنین عقیده‌ای نداشتند که در قرآن آیه‌ای بر تحریف لفظی دلالت کند. ایشان می‌فرمایند: «به اعتقاد ما، در قرآن مطلبی نیست که دلالت کند بر وقوع تحریف اصطلاحی در تورات و انجیل؛ یعنی تبدیل متن کتاب یا کم و زیاد کردن آن، بلکه قرآن می‌گوید: کتب عهدین دستخوش تحریف معنوی شده، آن را به غیر معنای خودش تفسیر کرده‌اند و در اخبار اسلامی و سخنان بزرگان اسلام نیز چیزی که گویای وقوع تغییر یا تبدیل و تحریف در نص عهدین باشد وجود ندارد، البته دلیلی هم بر آن نداریم» (معرفت، ۱۳۷۶: ۱۰۷-۱۰۸).

چنانکه اشاره شد، ایشان کتاب مقدس امروزی را دست نوشته جعالان یهود و نصارا می‌نامند؛ ولی معتقدند که بنا بر عدم وجود کتاب اصلی، واژه تحریف معنی ندارد. یعنی، عدم دلالت قرآن بر تحریف، نه بخاطر خالص‌انگاری، در واقع با توجه به نیستی‌انگاری است.

۲. دانشمندانی که معتقدند آیاتی از قرآن بر تحریف لفظی دلالت دارند. در این مقام می‌توان از فخر رازی، شیخ طوسی، ابن حزم اندلسی، زمخشری، علامه بلاغی، آلوسی، بیضاوی، طبرسی، ابوالفتوح رازی، رحمت‌الله هندی، علامه طباطبایی، محدث نوری، فخرالاسلام و سایر را نام برد. محدث نوری می‌گوید: «آیات فراوان قرآن، اخبار متواتر و اجماع مسلمین، بلکه خود متن عهدین همگی گواهی می‌دهند که کتب «عهدین» بی تردید دچار تغییر و تحریف گشته‌اند» (محدث نوری، بی‌تا: ۳۵).



بررسی دیدگاه دانشمندان اسلامی در مورد آیات تحریف

همان گونه که اشاره شد، دانشمندان اسلامی درباره وجود آیاتی در قرآن کریم که بر تحریف لفظی کتاب مقدس دلالت داشته باشند، قبول می‌کنند؛ ولی باز هم در مورد دلالت کدام آیه بر تحریف لفظی و کدام بر تحریف معنوی در برخی موارد اختلاف نظر دارند. در این مقام دیدگاه آنها را در دلالت آیات به طور خلاصه بررسی خواهیم کرد:

۱- أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْرَفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ (بقره ۷۵) - آیا انتظار دارید به (آئین) شما ایمان بیاورند، با اینکه عده‌ای از آنان، سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند؟

علامه طباطبایی در تفسیر خودشان معتقدند، آیه بر تحریف معنوی و کتمان حق، دلالت دارد؛ «بطوری که از لحن کلام برمی‌آید، جریان از این قرار بوده: که عوام ایشان از ساده‌لوحی، وقتی به مسلمانان می‌رسیدند، اظهار مسرت می‌کردند، و پاره‌ای از بشارت‌های تورات را به ایشان می‌گفتند، و یا اطلاعاتی در اختیار می‌گذاشتند، که مسلمانان از آنها برای تصدیق نبوت پیامبرشان، استفاده می‌کردند، و رؤسایشان از این کار نهی می‌کردند، و می‌گفتند: این خود فتحی است که خدا برای مسلمانان قرار داده، و ما نباید آن را برای ایشان فاش سازیم؛ چون با همین بشارت‌ها که در کتب ما است، نزد پروردگار خود علیه ما احتجاج خواهند کرد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱، ۳۲۳). یهود اعتقاد به اصالت ماده داشتند و گمان می‌کردند که خداوند متعال نیز شبیه بندگان است و می‌توان حقایقی که خود باری‌تعالی فرستاده است (اعم از وحی و احکام) از او و بندگانش پوشید و مخفی کرد.

فخر رازی با اینکه روایت ابن عباس را راجع به تحریف لفظی کتاب مقدس بنا بر کاستن و افزودن چیزی بر آن درباره این آیه سزاوارتر می‌شمارد؛ ولی معتقد است که، منظور ابن عباس هم از «افزودن و کاستن» تحریف معنوی و تحریف در شرح و تفسیر معنای حقیقی کتاب مقدس می‌باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳، ۵۵۹-۵۶۰).

بیضاوی نیز معتقد است، منظور از تحریف در این آیه، کتمان صفات حضرت محمد ﷺ و یا حکم رجم است که با وجود آن در کتاب مقدس، یهودیان آن را از مردم و مسلمانان مخفی می‌کردند و یا مقصود آیه از تحریف، تحریف در تفسیر و تأویل تورات است. یعنی تحریف معنوی است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱، ۸۹).

طبرسی نیز تحریف را در این باره لفظی نمی‌شمارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱، ۲۲۵). ایشان دیدگاه مجاهد و سدی را در تفسیر خود می‌آورند. تحریف کنندگان، جماعتی از دانشمندان یهود هستند که احکام الهی را از مردم پنهان کرده؛ حلال الهی را حرام و حرام را حلال کرده‌اند. ایشان از ابن عباس و ربیع نقل کرده‌اند که منظور از آن جماعت، همان هفتاد نفری که موسی آنان را از میان قومش برگزیده بود، آنها کلام خدا را شنیدند و فرمان نبردند؛ وقتی که بسوی قوم برگشتند، جریان را بر خلاف واقع نقل کردند؛ بنا بر این قول، منظور از «کلام الله» همان سخن گفتن خداوند با موسی در وقت مناجات بود (همان، ۱۳۷۲: ۱، ۲۲۵) و نیز اشاره می‌کنند که امکان دارد منظور از «کلام الله» اوصاف پیامبر اسلام بوده که در تورات، ذکر شده است. در تفسیر آن تغییر داده شده است (همان، ۱۳۷۲: ۱، ۲۲۵).

شیخ طوسی منظور از تحریف را در این آیه، تحریف معنوی می‌داند. ایشان پس از اشاره به دیدگاه مجاهد و سدی در این باره، قول ابن عباس و ربیع را نقل و اشاره کرده است که ابن اسحاق و بلخی نیز بر این نظراند و قول دوم را برگزیده که قوی‌ترین تفسیر است؛ چون منظور قرآن کسانی است که بدون واسطه کلام خدا را می‌شنیدند و تحریف می‌کردند (طوسی، بی‌تا: ۱، ۳۱۳). البته، شایان ذکر است که، شیخ طوسی در تفسیر آیه بعدی، اشاره می‌کند که منظور آیه از تحریف، می‌تواند صفات حضرت محمد ﷺ در تورات باشد؛ چنانکه به حدیثی از امام صادق ع نیز در این مورد اشاره می‌کند (طوسی، بی‌تا: ۱، ۳۱۴)؛ ولی این هم بر تحریف لفظی دلالت نمی‌کند؛ چون امکان دارد که کلام الهی را بشنوند؛ ولی معنا و تفسیر آن را تحریف کنند. همان گونه که درباره قرآن نیز این تحریف رخ داده است.

قابل ذکر است که فخر رازی و زمخشری هر سه مورد را امکان‌پذیر می‌شمارد و پنهان کردن حکم رجم از سوی یهود که در تورات موجود بوده، بر آن می‌افزاید (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳، ۵۵۹-۵۶۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱، ۱۵۶).

به نظر می‌رسد، آلوسی در تفسیر خود به هر دو نوع تحریف اشاره کرده است. یهود، تورات را می‌شنیدند، معنا و تفسیر آن را تحریف می‌کردند؛ همچنین تبدیل کلام را نیز انجام می‌دادند؛ چنانکه صفات رسول خدا ص و حکم رجم که در تورات آمده بود، به کلام دیگری تحریف کردند. آلوسی قول دیگری را در این مورد نقل می‌کند که منظور از تحریف مذکور، تحریف قرآن کریم است؛ چون یهودیان آیات قرآن را می‌شنیدند، کلمات آن را عوض می‌کردند و می‌خواستند به دین اسلام چیزی را وارد کنند که در آن وجود ندارد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱، ۲۹۹-۳۰۰).

البته نمی‌توان گفت، منظور از تبدیل کلام حتماً تحریف لفظی است؛ چون امکان دارد این تحریف در کتاب تورات، رخ نداده باشد؛ بلکه اسلاف یهود در زبان خودشان برای منحرف ساختن اذهان دیگران این تحریف را هنگام تبلیغ انجام داده‌اند؛ چنانکه در باره قرآن چنین کاری را می‌کردند و یا تحریف ۷۰ نفری که با موسی علیه السلام همراه بودند، باعث نمی‌شود که متن تورات حتماً تحریف لفظی شده باشد. در حالیکه موسی علیه السلام در آن زمان زنده بود، بلکه لجاجت همراهان او را می‌رساند که کلام خدا را تحریف کردند. اگر منظور تحریف لفظی هم باشد، به نظر می‌رسد که بنابر این آیه، در زبان رخ داده است، نه در متن.

محمد صادق فخر الاسلام این آیه را هم به تحریف لفظی و هم به تحریف معنوی شامل می‌داند (فخر الاسلام، ۱۳۵۲: ۲، ۳).

۲- فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ تَمَنَّا قَلِيلاً فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ (بقره: ۷۹) - پس وای بر آنها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این، از طرف خداست» تا آن را به بهای کمی بفروشند؛ پس وای بر آنها از آنچه با دست خود نوشتند و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می‌آورند.

علامه طباطبایی در مورد این آیه بر حدیث امام باقر علیه السلام استناد می‌کند و می‌فرماید: «مجمع البیان از امام باقر علیه السلام روایت آورده که می‌فرماید: قومی از یهود بودند که با مسلمانان عناد و دشمنی نداشتند، بلکه با آنان قرارداد داشتند، که آنچه در تورات از صفات محمد صلی الله علیه و آله وارد شده، برای آنان بیاورند؛ ولی بزرگان یهود ایشان را از این کار باز داشتند، و گفتند: زنه‌ار که صفات محمد صلی الله علیه و آله را که در تورات است، برای مسلمانان نگویند، که فردای قیامت در برابر پروردگارشان علیه شما احتجاج خواهند کرد. در این جریان بود که این آیه نازل شد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱، ۳۲۵).

به نظر فخر رازی آیه خبر می‌دهد که یک عده نوشته‌های دینی را با دست خود و از پیش خود می‌نوشتند و آن را بر گرفته از تورات معرفی می‌کردند و می‌فروختند. مردم چنین تصور می‌کردند؛ که این کتابها در شمار کتب دینی آنان است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳، ۵۶۶).

بیضاوی در تفسیر خود منظور آیه را نوشته‌های تفسیری اسلاف یهود می‌شمارد (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱، ۹۰).

طبرسی چند قول را در این مورد نقل کرده است: گفته شده منظور از نوشتن ایشان با دست‌هایشان، این است که اینان تورات را تحریف نموده، اوصاف نبی اکرم را تغییر داده تا عوام

یهود را در شک و تردید واقع سازند. این معنی از امام باقر^ع و گروهی از مفسرین نقل شده است. گفته شده: در تورات نبی اکرم به گندم‌گون و میانه توصیف شده بود؛ در حالی که اینان او را دراز قد معرفی کردند؛ چنانکه ابن عباس بنا به روایت عکرمه می‌گوید: بزرگان یهود اوصاف نبی اکرم را در تورات چنین یافتند که او مردی است میانه، نیکو روی و سیاه چشم؛ پس آن را از روی عناد و حسادت محو کردند. در این هنگام گروهی از قریش آمده از ایشان پرسیدند که در تورات شما پیامبری از ما یافت می‌شود؟ گفتند: آری، با این اوصاف که درازقد، ازرق چشم و فروهشته موی است. همین داستان را واحدی با سند خودش در «الوسیط» یاد کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱، ۲۳۳).

اگر چنین باشد؛ بنابر آیه مذکور در تورات تحریف لفظی رخ داده است.

شیخ طوسی نیز از قول مفسرین تغییر صفات رسول خدا^ص از طرف اسلاف یهود که در تورات ذکر شده، اشاره نموده است (طوسی، بی‌تا: ۱، ۳۲۲).

آلوسی دوقول را در این باره نقل کرده است، آیه بر تحریف لفظی در تورات از طرف رهبران یهود دلالت دارد یا بر تحریف قرآن کریم از طرف کاتبان منافق دلالت می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱، ۳۰۴).

بنابر دیدگاه ابو الفتوح رازی این آیه، بر تحریف لفظی صفات نبی^ص از طرف رهبران قوم یهود دلالت می‌کند (ابو الفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۲، ۲۷).

۳. وَ إِنْ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤْنَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (آل عمران: ۷۸) — در میان آنها [یهود] کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب (خدا)، زبان خود را چنان می‌گردانند که گمان کنید (آنچه را می‌خوانند) از کتاب (خدا) است در حالی که از کتاب (خدا) نیست! (و با صراحت) می‌گویند: «آن از طرف خداست» با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ می‌بندند در حالی که می‌دانند.

علامه طباطبایی: «ظاهراً مراد از جمله: " يَلُؤْنَ أَلْسِنَتَهُم " این است که سخنان غیر آسمانی که خود آن را جعل می‌کردند، به لحنی که با آن لحن تورات را می‌خواندند تا وانمود کنند، این سخنان نیز جزء تورات است، با اینکه از تورات نبود» (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳، ۴۱۹).

فخر رازی چندقول را در این باره نقل کرده است. نظر قفال که می‌گوید: بطور عمد با لفظ بازی می‌کردند و حرکات آن را جابجا می‌کردند تا معنای آن را عوض کنند. مانند این کار را در

آیات دال بر نبوت محمد ﷺ از تورات انجام داده‌اند. همین مراد است از قول خدای متعال که می‌فرماید: «يَلُؤْنَ اَلْسِنَتَهُمْ». فخر رازی این تفسیر را احسن می‌نامد؛ ولی ایشان در تفسیر این آیه دیدگاه دومی را نیز مطرح می‌سازد که بنا بر روایت ابن عباس خداوند در روز قیامت با گروهی سخن نخواهد گفت و به آنان احسان نخواهد کرد؛ آنان کسانی هستند که کتاب نوشتند و در آن صفات پیامبر ﷺ را مشوش ساختند؛ سپس آن را با کتابی که صفات پیامبر ﷺ در آن بود آمیختند و گفتند: این از نزد خداست. یعنی تورات را تحریف کردند.

به نظر فخر رازی خداوند، حتی سخن آنان را قرائت هم نمی‌نامد؛ بلکه پیچ و خم زبان بازی می‌گوید.

در ادامه فخر رازی می‌گوید: مراد از «وَ اِنْ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤْنَ اَلْسِنَتَهُمْ» قرائت همین کتاب باطل است. چنانکه منظور خداوند در آیه ۷۹ سوره بقره نیز همان بود. خداوند دنبال این سخن می‌فرماید: «وَ مَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ» و آن از کتاب حق منزل از سوی خدا نیست و تحریف شده است.

ولی نظر نهائی فخر رازی این است که آیات دال بر نبوت محمد ﷺ نیازمند دقت نظر و تأمل قلب بوده است؛ ولی آنها پرسشهای مشوش و اعتراضات تاریکی و ناروشن را بر آنها وارد می‌کردند تا آن دلائل بر شنوندگان مشتبه گردد. می‌گفتند: مراد خدا از این آیات چیزی است که ما می‌گوییم، نه آنچه که شما یاد کردید؛ پس مراد از تحریف و بر گردانیدن زبان‌ها این است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۸، ۲۶۷-۲۷۰).

بیضاوی منظور از تحریف در این آیه را تحریف معنوی می‌شمارد؛ یعنی تفسیرهای خود را چنین می‌خواندند که گویا کتاب مقدس است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲، ۲۴).

بنا بر نقل طبرسی، ربیع تحریف را در این آیه معنوی شمرده است؛ ولی به نظر مجاهد، قتاده و ابن جریر منظور از يَلُؤْنَ اَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ یعنی کتاب را با زبان خود از مجرای خود تحریف می‌کنند و آن را از مقصد اصلی بر می‌گردانند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴، ۱۳۶-۱۳۷).

شیخ طوسی: مجاهد، قتاده، ابن جریر و ربیع گفته‌اند: یهود با تغییر و تبدیل تحریف می‌کردند (طوسی، بی تا: ۲، ۵۰۸).

به نظر زمخشری یهود به رهبری کعب بن الاثراف تورات را تحریف کردند و کتابی نوشتند که صفت رسول خدا را در آن تغییر دادند؛ بنی قریظه آن را گرفت و با توراتی که در نزدشان بود، مخلوط کرد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱، ۳۷۷).

به نظر *ابوالفتوح رازی* منظور آیه این است که برخی از یهود، زبان بر سیل تحریف و تغییر در می‌پیچند، یعنی از پیش خود چیزی می‌خوانند در تغییر صفت محمد ﷺ و در آیه رجم و مانند آن به آوازی که با او تورات می‌خوانند، و چنین وانمود می‌کنند که تورات است؛ در حالیکه چیزی که می‌خواندند از تورات نبوده است (ابو الفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۴، ۴۰۰).

ایشان در تفسیر آیه دیگر، منظور از تحریف را در آیه‌ای که در بالا ذکر شد، علاوه بر تحریف معنوی، تحریف لفظی نیز شمرده‌اند (ابو الفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۶، ۳۰۲).

الوسی نیز بر این نظر است (الوسی، ۱۴۱۵: ۲، ۱۹۸).

۴. فِيمَا تَقْضِيهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (مائده: ۱۳) - ولی بخاطر پیمان شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم و دل‌های آنان را سخت و سنگین نمودیم سخنان (خدا) را از موردش تحریف می‌کنند و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود، فراموش کردند و هر زمان از خیانتی (تازه) از آنها آگاه می‌شوی، مگر عده کمی از آنان؛ ولی از آنها درگذر و صرف نظر کن، که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد.

علامه طباطبایی معتقد است، این آیه به تحریف لفظی و هم به تحریف معنوی دلالت دارد. می‌گوید: «دست به تحریف کلام خدا زدند» "يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَوَاضِعِهِ"، یعنی آن را طوری تفسیر کردند که صاحب کلام آن معنا را در نظر نداشت و خدای تعالی که صاحب کلام بود به آن تفسیر راضی نبود و یا از کلام خدا هر چه را که خوشایند نبود، انداختند و چیزهایی که دلشان می‌خواست از پیش خود به آن اضافه کردند و یا کلام خدا را جابجا نمودند، همه اینها تحریف است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵، ۳۹۱-۳۹۲).

فخر رازی در ذیل این آیه در تفسیر خود، تحریف مورد نظر را معنوی دانسته است و تحریف لفظی را مردود شمرده است: «و هذا التحريف يحتمل التأويل الباطل، و يحتمل تغيير اللفظ، وقد بينا فيما تقدم أن الأول أولى لأن الكتاب المنقول بالتواتر لا يتأتى فيه تغيير اللفظ» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۱، ۳۲۵).

به نظر *بیضاوی* منظور، تحریف لفظی است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲، ۱۱۹).

شیخ *طوسی* و *طبرسی* معتقدند که در این آیه هم به تحریف لفظی و هم به تحریف معنوی اشاره شده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶، ۲۴۷؛ طوسی، بی تا: ۳، ۴۷۰).

به نظر زمخشری و آلوسی یهود تورات را تحریف کردند، وحی الهی را تغییر دادند، چنانکه صفات پیامبر ﷺ را در آن تغییر و کتمان کرده بودند. بعداً وحی اصلی را از یاد برده و فراموش کردند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱، ۶۱۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳، ۲۶۴).

به نظر ابوالفتوح رازی منظور از تحریف، هم تحریف معنوی و هم تحریف لفظی است (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۶، ۳۰۲).

۵. وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمِ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئاً أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ. (مائده: ۴۱) - و (همچنین) گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می‌دهند، تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند، آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده‌اند. آنها سخنان را از مفهوم اصلیش تحریف می‌کنند و (به یکدیگر) می‌گویند: «اگر این (که ما می‌خواهیم) به شما داده شد (و محمد بر طبق خواسته شما داوری کرد) بپذیرید و گر نه (از او) دوری کنید!» (ولی) کسی را که خدا (بر اثر گناهان پی در پی او) بخواهد مجازات کند، قادر به دفاع از او نیستی آنها کسانی هستند که خدا نخواستند دل‌هایشان را پاک کند، در دنیا رسوایی و در آخرت مجازات بزرگی نصیبشان خواهد شد.

علامه طباطبایی: " يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ... " یعنی کلمات را - پس از آنکه هر یک در جای خود قرار گرفته - تحریف می‌کنند. آنچه از مجموع چند جمله مورد بحث بر می‌آید، این است که عده‌ای از یهودیان در میان خود به یک حادثه و واقعه‌ای دینی مبتلا شدند، واقعه‌ای که از نظر دین خودشان حکمی داشته؛ ولی علمایشان آن حکم را پس از ثبوت و استقرارش تغییر داده بودند و برای اینکه آن حکم اجرا نشود این عده یهود را به نزد رسول خدا ﷺ فرستاده و به آنان دستور دادند تا پیامبر اسلام را در کار خود حکم قرار دهند، اگر او نیز طبق حکم ما (یعنی همان حکم تحریفی) حکم کرد قبول کنند و اگر حکمی دیگر (یعنی همان حکمی که علمای یهود از تورات دزدیده و پنهان کرده بودند) کرد از قبول آن برحذر باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵، ۵۵۷).

فخررازی در تفسیر آیه ۴۶ نساء معتقد است، منظور از تحریف در آیه ۴۱ سوره مائده تحریف لفظی است. می‌گوید: «وَأَمَّا آيَةُ الْمَذْكُورَةِ فِي سُورَةِ الْمَائِدَةِ، فَهِيَ دَالَةٌ عَلَى أَنَّهُمْ جَمَعُوا بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ، فَكَانُوا يَذْكُرُونَ التَّوِيلَاتِ الْفَاسِدَةَ، وَكَانُوا يَخْرُجُونَ اللَّفْظَ أَيْضاً مِنَ الْكِتَابِ، فَقَوْلُهُ:

يَحْرَقُونَ الْكَلِمَةَ إِشَارَةً إِلَى التَّوْبِيلِ الْبَاطِلِ وَقَوْلُهُ: مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ إِشَارَةٌ إِلَى إِخْرَاجِهِ عَنِ الْكِتَابِ. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۰، ۹۳).

می گوید، کلمه «جلد» را به جای «رجم» قرار دادند. «إِذَا عَرَفْتَ الْقِصَّةَ فَتَقُولُ: قَوْلُهُ يَحْرَقُونَ الْكَلِمَةَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ أَيْ وَضْعُوا الْجِلْدَ مَكَانَ الرَّجْمِ» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۱، ۳۵۸).
بیضاوی معتقد است، تحریف به هر دو معنی، هم معنوی و هم لفظی در این آیه ذکر شده است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲، ۱۲۷).

طبرسی: آنان سخن خدا را پس از آنکه خداوند، آنها را در محل خود قرار داده، حلال و حرام خود را ذکر کرده بود؛ تغییر دادند. ایشان چند قول را نقل کرده است: جماعتی معتقداند، منظور تغییر حکم رجم به شلاق بود قتاده معتقد است، منظور تغییر حکم قصاص به خونبها بود. حسن و ابوعلی جبابی می گویند: منظور این است که سخن پیامبر را پس از شنیدن، تحریف می کردند و از زبان او دروغ هایی می پرداختند و برای یهودیان خبیر می نوشتند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷، ۳۹).
شیخ طوسی نیز احتمالات مذکور را صحیح دانسته است (طوسی، بی تا: ۳، ۵۲۳).

زمخشری نیز در تفسیر خود اشاره می کند که یهود وحی الهی را که به حضرت محمد ﷺ نازل می شد و حضرت آن را برای مردم می خواند، تحریف می کردند. به گونه ای کلمات را تلفظ می کردند که معنای خود را عوض می کرد، عبارات را جابجا می کردند، بر آن می افزودند و از آن می کاستند. آیه هم در این باره است. همچنین آیه می تواند در مورد مسئله رجم باشد. چنان که اشاره شد، دانشمندان یهود حکم رجم را با شلاق عوض و آن را تحریف کرده بودند. وقتی که پیامبر ﷺ از آنها پرسید که در تورات حکم رجم هست، آنان قبول نکردند. پیامبر ﷺ در جلسه ای از دانشمندترین یهود بر کتاب مقدس، ابن صوری پرسید: آیا حقیقت این حکم در تورات نیامده که رجم است؟ او پاسخ داد: بله، آمده است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱، ۶۳۳).

اگر تحریف یهود به طور شفاهی و فقط در زبان باشد یا در رساندن حقائق به مردم، آن را تغییر داده باشند، نه در متن کتاب، پس می توان گفت، تحریف لفظی بدان معنا رخ نداده است. چنان که در مورد قرآن چنین کرده اند؛ ولی اگر بگوییم که این تحریف در مورد تورات در متن رخ داده است؛ پس تحریف لفظی اتفاق افتاده است.

آلوسی با اشاره به این احتمالات مذکور، هر دو نوع تحریف را ذکر کرده است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳، ۳۰۶).

ابوالفتوح رازی مسئله تحریف حکم رجم را نیز می آورد؛ ولی جالب این که در آن روایت

این‌صورتاً بر وجود چنین حکم در تورات اعتراف می‌کند. هم اعتراف می‌کند که از طرف دانشمندان یهود بر مخفی نگه داشتن این سرّ (وجود حکم رجم در تورات) مأمور شده است. زمانی که این سرّ را فاش می‌کند، دانشمندان یهود او را مزمت می‌کنند (ابو الفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۶، ۳۷۸-۳۸۱).

در این باره سئوالی پیش می‌آید، آیا در آن زمان حکم رجم در متن تورات تحریف شده بود، یا فقط آنها به خاطر منافع خود آن را از مردم مخفی می‌کردند؟ اگر احتمال اول درست باشد؛ پس تحریف لفظی را خبر می‌دهد.

عَرِّفُوا لَنَا بِمَا نَسَبْتَهُمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَ أَسْمَعُ وَ أَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ أَقْوَمَ وَ لَكِنْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (نساء: ۴۶) — بعضی از یهود، سخنان را از جای خود، تحریف می‌کنند و (به جای اینکه بگویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»)، می‌گویند: «شنیدیم و مخالفت کردیم!» و (نیز می‌گویند: بشنو! که هرگز نشنوی! و (از روی تمسخر می‌گویند: راعنا [ما را تحمیق کن!]) تا با زبان خود، حقایق را بگردانند و در آیین خدا، طعنه زنند؛ ولی اگر آنها (به جای این همه لجاجت) می‌گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم و سخنان ما را بشنو و به ما مهلت ده (تا حقایق را درک کنیم)» برای آنان بهتر و با واقعیت سازگارتر بود؛ ولی خداوند، آنها را بخاطر کفرشان، از رحمت خود دور ساخته است از این رو، جز عده کمی ایمان نمی‌آورند.

علامه طباطبایی: «(آنها) کلمات کتاب خدای را تحریف می‌کنند حال یا به اینکه جای آنها را تغییر می‌دهند، پس و پیش می‌کنند، یا آنکه بعضی از کلمات را به کلی می‌اندازند و یا به اینکه کلماتی از خود به کتاب خدا اضافه می‌کنند، همچنان که تورات موجود دچار چنین سرنوشتی شده، یعنی بسیاری از مطالبش آسمانی نیست، و یا به این است که آنچه از موسی و از سایر انبیاء در تورات آمده تفسیرش کرده‌اند به غیر آن چه مقصود بوده، معنای حقیقی آن را رها کرده معنایی تاویلی برای آن کرده‌اند همچنان که بشارت‌هایی که در تورات درباره آمدن رسول الله ﷺ آمده بود و پیش از بعثت رسول خدا ﷺ آن چه در باره عیسی ﷺ به‌عنوان بشارت وجود داشت همه را تاویل کردند، و گفتند نه عیسیایی ﷺ آمده و نه محمدی ﷺ و ما هم اکنون منتظر آمدنشان هستیم» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴، ۵۷۹). یعنی تحریف به هر دو معنی را ممکن شمرده است.

فخر رازی نیز هر دو تحریف را امکان پذیر می‌شمارد؛ ولی نظر صحیح تر را تحریف معنوی

می‌داند و آن را انتخاب می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۰، ۹۳).

بیضاوی و طبرسی هم تحریف لفظی و هم معنوی را احتمال می‌دهد (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲، ۷۷).
آلوسی نیز چنین عقیده دارد؛ ولی آیه ۴۱ سوره مائده را بر تحریف لفظی واضح‌تر می‌شمارد
(آلوسی، ۱۴۱۵: ۳، ۴۶-۴۷).

شیخ طوسی به تحریف معنوی تورات در این مورد اشاره می‌کند (طوسی، بی‌تا: ۳، ۲۱۳).
زمخشری و ابوالفتوح رازی معتقدند که دانشمندان یهود در تورات، تحریف لفظی می‌کردند و
این مسئله مشمول به صفات نبی ﷺ و مسئله رجم می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱، ۵۱۶؛ ابوالفتوح
رازی، ۱۴۰۸: ۵، ۳۸۴).

دیدگاه دانشمندان در مورد آیات نور، هدی و اقامه کتاب مقدس

چنان‌که اشاره شد، در برخی از آیات قرآن کریم، تورات و انجیل نور و هدایت نامیده شده‌اند. در
برخی دیگر نیز به اقامه احکام کتاب مقدس امر شده است. اگر منظور این آیات تورات و انجیل
کنونی باشد؛ پس سخن از تحریف آنها بی معنا خواهد شد؛ زیرا چیزی که نور و هادی باشد و به
اقامه احکامش امر شده باشد، دیگر نمی‌تواند محرف و محرف باشد. این آیات عبارتند:

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنَ رَبِّهِمْ (مائده: ۶۶)، قُلْ فَاتَّبِعُوا
بِالتَّوْرَةِ فَاتَّبِعُوا إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (آل عمران: ۹۳)، وَكَيْفَ يَحْكُمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا
حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ (مائده: ۴۳)، إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا
هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتَحْفَظُوا مِنْ
كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ (مائده: ۴۴)، وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِم بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا
بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ
هُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (مائده: ۴۶)، وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ
بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (مائده: ۴۷)

دانشمندان اسلامی در این مورد چند نظر را ارائه کرده‌اند که همه آنان بر تحریف کتاب
مقدس تأکید کرده‌اند:

الف. منظور از اقامه تورات و انجیل، کتاب مقدس کنونی نیست؛ بلکه تورات و انجیلی منظور
است که به حضرت موسی ﷺ و عیسی ﷺ نازل شده بودند.

آیت‌الله محمد هادی معرفت معتقد است: آیاتی که کتاب مقدس را نور، هدایت می‌نامند، به

طالع

سال دهم - شماره ۳۸ - زمستان ۱۳۹۰

۸۸

معنای تأیید تورات و انجیل امروزی نیست و بدین معنی نیست که این آیات بر عدم تحریف (چه لفظی و چه معنوی) کتاب مقدس دلیل آورده شود. چنان که ایشان می‌فرمایند: «و علت اینکه قرآن می‌فرماید که تورات نزد آنان است، و در آن حکم خداوند است و نور و هدایت است، برخی آیات هم بیان گر این مطلب است که اگر اهل کتاب به محتوای تورات و انجیل عمل کنند و احکام آن را برپا دارند، همین است. قرآن صرفاً با آنان در نامگذاری این کتاب‌ها همراهی کرده است. نه در مطالب» (معرفت، ۱۳۷۶: ۱۱۴-۱۱۵). چنان که اشاره شد ایشان معتقدند نسخه‌های اصلی تورات و انجیل مفقود شده است (معرفت، ۱۳۷۶: ۱۱۳).

چنان که علامه طباطبایی اشاره می‌کند، در آیات مورد نظر معنای لغوی تورات و انجیل منظور نیست، بلکه معنای اصطلاحی، اصلی و معروفش منظور است. ایشان می‌گویند: «منظور از تورات و انجیل، دو کتابی است آسمانی که قرآن کریم یکی را نازل بر موسی علیه السلام و دیگری را نازل بر عیسی علیه السلام می‌داند، نه این کتابهایی که فعلاً در دست است و به نام انجیل و تورات نامیده می‌شوند، اینها تورات و انجیل حقیقی و آسمانی نیستند، بلکه مجموعه‌ای هستند که دست تحریف به این صورتشان در آورده است» (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۵، ۵۶۷).

منظور از نور و هدایت، اعتقادات و احکامی است که در تورات و انجیل حقیقی وجود داشته است.

فخر رازی نیز در این باره دیدگاه مذکور در بالا را دارند و افرادی که غیر از این می‌گویند؛ به نقد می‌گیرد. می‌گویند: «احتج جماعة من الحنفية بهذه الآية على أن حكم التوراة و شرائع من قبلنا لازم علينا ما لم ينسخ و هو ضعيف و لو كان كذلك لكان حكم التوراة كحكم القرآن في وجوب طلب الحكم منه، لكن الشَّرْع نهي عن النظر فيها» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲، ۳۶۵).

چنانکه در طول بحث اشاره شد، دانشمندان دیگری نیز در این اعتقادند که به خاطر طولانی نشدن بحث از ذکر آنها صرف نظر کرده شد.

ب. منظور از نور و هدایت، برخی از اعتقادات و احکامی است که در تورات و انجیل تحریف شده موجود است. چون حقائق نیز در کتاب مقدس وجود دارد که از تحریف مصون مانده و یا با کمی دقت می‌توان به حقیقت آن دست یافت؛ ولی دانشمندان یهود و نصارا آن را پوشانده و تحریف معنوی کرده‌اند. چنان که آیت‌الله محمد هادی معرفت می‌گوید: «با توجه به آیات دیگر (آل عمران: ۲۳؛ ۹۳، مائده: ۶۸-۶۶؛ ۴۳؛ ۱۵؛ انعام: ۹۱؛ نساء: ۴۴ و ۵۱) می‌فهمیم که منظور قرآن حقایق موجود حتی در آیات کتاب‌های دست نوشته شما نیز

(که آن را کلام خدا می‌دانید) موجود است؛ ولی شما بدان عمل نمی‌کنید. حقایق را می‌پوشانید و مخفی می‌کنید» (معرفت، ۱۳۷۶: ۱۱۴-۱۱۵).

علامه طباطبایی هم معتقد است که، «همین تورات (تحریف شده) در زمان رسول خدا ﷺ و تا به امروز در دست یهود است؛ پس قرآن تصدیق می‌کند که در تورات موجود، حکم خدا وجود دارد همچنان که می‌فرماید در این تورات تحریف و تغییر هست. از همه اینها نتیجه می‌گیریم که در تورات موجود، و دائر در میان یهود امروز، مقداری از تورات اصلی که بر موسی ﷺ نازل شده وجود دارد و مقداری هم از مطالب تحریفی وجود دارد، خلاصه در تورات اصلی دستبرد شده که یا چیزهایی به آن اضافه کرده‌اند یا از آن انداخته‌اند یا لفظ آن را یا جای آن را تغییر داده‌اند و یا تصرفاتی دیگر کرده‌اند، این همان نظریه‌ای است که از قرآن کریم در باره تورات استفاده می‌شود» (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۵، ۵۶۷).

فخر رازی، زمخشری، ابوالفتوح رازی، طبرسی، شیخ طوسی، (به نقل آنان، حسن، قتاده، عکرمه، زهری، سدی، ابن عباس، ابوعلی جبائی و زجاج) معتقداند که منظور از نور و هدایت برخی از اعتقادات، احکامی است که در تورات و انجیل باقی مانده و یا صفات حضرت رسول ﷺ و یا حکم رجم، قصاص و سایر می‌باشد و منظور از دعوت قرآن، بر آوردن تورات به عنوان شاهد نیز همین مطالب می‌باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲، ۳۶۵). (طوسی، بی تا: ۳، ۵۳۳-۵۴۰). (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷، ۴۸). (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳، ۳۱۱). (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱، ۶۳۶). (ابو الفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۶، ۳۸۸).

طالع

سال دهم - شماره ۳۸ - زمستان ۱۳۹۰

۹۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. آلوسی، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲. ابن تیمیّه، ۱۴۱۶ق، الجواب الصحیح، بیروت، المعهد العالمی للفکره الإسلامی.
۳. ابن حجر، بی تا، فتح الباری، بیروت، دار المعرفه.
۴. ابن حزم، ۱۹۹۹م، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵. ابن منظور، بی تا، لسان العرب، ۲، بیروت، دار لسان العرب.
۶. ابو الفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، روض الجنان و روح الجنان، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۷. بیضاوی، ۱۴۱۸ق، انوارالتنزیل و اسرارالتأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۸. راغب اصفهانی، ۱۳۸۲ش، مفردات الفاظ القرآن الکریم، تهران، انتشارات اسلامی.
۹. رحمہ الله ہندی، ۱۴۱۸ق، اظہار الحق، بیروت، المکتبہ العصریہ.
۱۰. زمخشری، ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض القرآن، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۱. طباطبائی، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.
۱۲. خواجه نصیر الدین طوسی، ۱۳۵۹ش، تلخیص المحصل، تهران، مؤسسہ مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، شعبه تهران.
۱۳. طبرسی، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی علوم القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۱۴. شیخ طوسی، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الحیاء التراث العربی، بیروت.
۱۵. وحید صفری، تابستان ۱۳۸۵ش، ابن حزم اندلسی و مطالعہ ادیان، سال ہفتم، شماره دوّم.
۱۶. فخر الإسلام، ۱۳۵۲ش، انیس الاعلام فی نصرہ الاسلام، تهران، انتشارات پیام.
۱۷. فخر رازی، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، بیروت، داراحیاء تراث العربی، چ ۳.
۱۸. قریشی، ۱۳۷۱ش، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیہ.
۱۹. محمدہادی معرفت، ۱۳۷۶ش، مصونیت قرآن از تحریف، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۰. محمدهادی معرفت، ۱۳۸۸ش، نقد شبهات پیرامون قرآن، قم، موسسه فرهنگی تمهید، چ ۲.
۲۱. محمد جواد بلاغی، ۱۴۰۵ق، الهدی الی دین المصطفی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۲۲. محمد جواد بلاغی، ۱۳۶۷ش، الرحله المدرسیه، بیروت، مطبعه الحیدریه.
۲۳. محدث نوری، بی تا، فصل الخطاب، بی جا، بی نا.
۲۴. طوسی، ۱۴۰۶ق، تلخیص المحصل، بیروت، دارالاضواء، چ ۲.

